

میدون و سوفیا

خودمانیم آقای تقوایی!



✎ پوریا عالمی

● دیروز داشتیم با سوفیا توی خیابون دوردور می‌زدیم که ناصر تقوایی را دیدیم. من داد زد: سلااااا... ناخدا خورشید! ناصر تقوایی لبخند زد و گفت: خودتی. سوفیا داد زد: سلااااا... آرامش در حضور دیگران!

ناصر تقوایی لبخند زد و گفت: خودتی. من داد زدم: سلاااا... دایی جان ناپلئون! ناصر تقوایی لبخند زد و گفت: خودتی. من داد زدم: سلام استااااااا! ناصر تقوایی لبخند زد و گفت: خودتی. سوفیا گفت: فیلم‌ساز فقط شما... ای مؤووووولفا!

ناصر تقوایی لبخند زد و گفت: خودتی. ما گفتیم: بیخشد استادا! چی خودمون هستیم! ناصر تقوایی گفت: خرا! خر خودتونید! من گفتم: ولی آقای تقوایی! ما که فن و طرفدار

شمایم! چه حرف بدی زدیم؟

ناصر تقوایی لبخند زد و گفت: اگر من استاد



بودم، الان دربه‌در فیلم‌های سطحی نبودید و سریال‌های آیکی نگاه نمی‌کردید. بله... فقط ادا... فقط اصول... فقط افه‌کتلت روشنفکری...

... به‌خدا اگر سنگ بودیم آب می‌شدیم، اما سنگ نبودیم، به همین‌دلیل دودیدیم سینما فیلم سطحی ببینیم و دودیدیم بقالی سریال دوزاری بخریم و آروغ روشنفکری بزنیم.

با عشق

سوفیا و میدون دوم

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۸ • ۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۰ • ۱۱ جولای ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۷۲ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

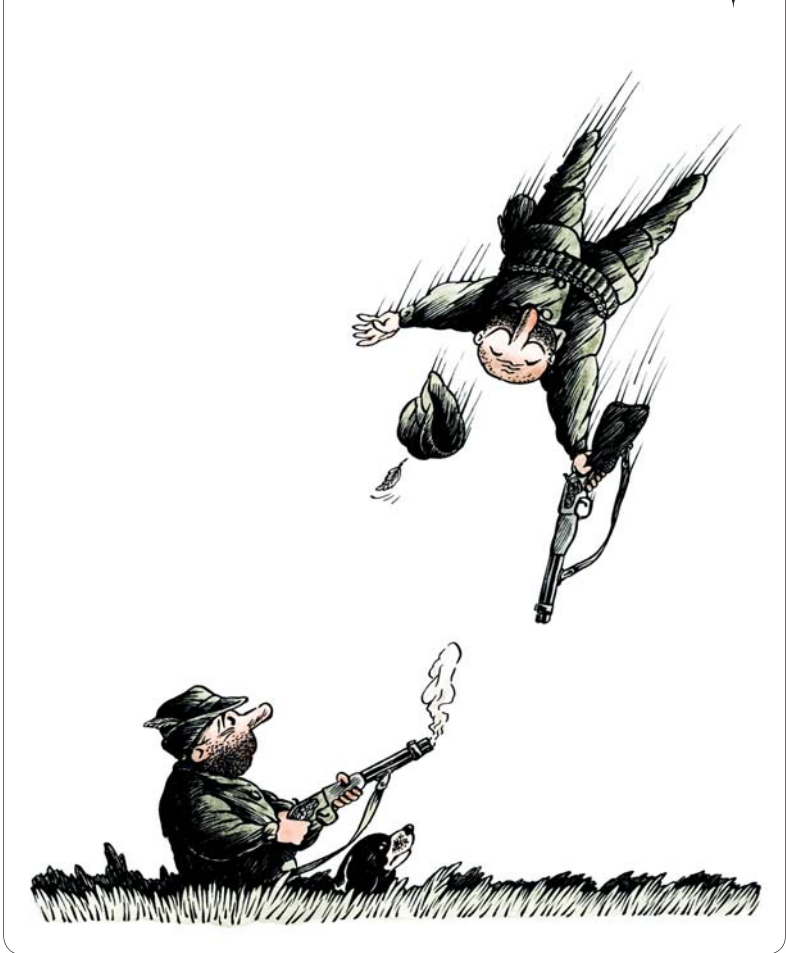
روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



✎ یوری کوزوبوکی



در مسیر جهانی شدن ...

کسب مقام ویژه مشورتی شورای اجتماع و اقتصادی سازمان ملل متحد



۰۲۱-۶۱۶۰۴ • شماره مجوز: ۱۳۰۲/۲۵۶۰۷ | شماره ثبت: ۳۳۵۰۵

آکادمی

پیوند اخلاق و اعضا

و تصویر اخلاق را به مذاق جامعه می‌چسانند. انکاره مردم از پیوند اعضا، در بافتار اخلاقی معنا شده است و کشاندن آن به ساحت حقوق، روا نیست. یادمان باشد قانون هر چه اخلاقی‌تر شود، بر وزانتش می‌افزاید، اما قانونی‌شدن اخلاق، فروکاستن اراده است و اصالت اخلاق را می‌ستاند.

پنجم. اقت متصور این قانون، دلیل‌تراشی برای خانواده مقتول است. عفو و رضایت اولیای دم، می‌تواند متأثر از این استدلال شود که با اعدام قاتل، دیگران از اعضای او بهره‌مند خواهند شد. در این صورت، مفهوم عفو و رضایت که امری اصیل و اخلاقی است، به محاق می‌رود و ذیل دلیل‌تراشی پیوند اعضا قرار می‌گیرد. ششم. از حیث روان‌شناسی باور، ممکن است در گذار زمان، ایمن امر، ذهن و ضمیر قاضی یا قانون‌گذار را دربر بگیرد و حکم اعدام را با توجیه جان نجات افراد دیگر از قَبَل اعدام مجرم، سهل‌گیرانه کند.

هفتم. کالایی‌شدن یا حتی تجاری‌سازی پیوند، امری دور از انتظار نیست. از این رو کرامت انسانی محکومان به اعدام –یا وجود محکومیت– با این بهانه که فلانی که قرار است اعدام شود، پس دست‌کم از کلیه، کبد و قلبش استفاده کنیم، ممکن است مخدوش شود. چانه‌زنی بر سر ارزش کلیه فرد اعدامی در مقایسه با کلیه فرد دچار مرگ غرض در فضایی تجاری و بازارسازانه آفتی است که ممکن است به جان نظام اهدای عضو در ایران بیفتد. این امر، گرچه با سخت‌گیری‌های قانونی قابل پیشگیری است، اما مستعد آن است تا راهی خطرناک از زندان به بیمارستان بشکاید.

✎ عضو هیئت‌علمی گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

بر خواست و تصمیم متقاضی پیوند، متصور است؟ دوم. برخی استدلال می‌کنند که فرد در معرض اعدام، چیزی برای ازدست‌دادن ندارد. پس چه بهتر که مجال سودرسانی به دیگران را برایش فراهم کنیم. این موقعیت، شاید آخرین مجال عمل نیک او باشد و حتی منجر به آرامش او شود. این استدلال گرچه در بادی امر، با اخلاق مراقبت سازگار و قبل تأمل است، اما توالی مناقشه‌آمیزی دارد که در موارد بعد به آن اشاره می‌شود.

سوم. طبی‌سازی (Medicalization) اعدام، دغدغه‌ای است که در این میان، مجال درنگ است. حرفه پزشکی اگر هنوز و همچنان قدر می‌بیند و گرّه از فروبستگی مردمان می‌کشاید، تخته‌بند بی‌طرفی و تعلیق قضاوت است. ورود پزشکی به مقوله اعدام به استلزام اجرای قانون پیوند از اعدامیان، مداخله بیشینه و نابجای طب در اعمال قانون است. حرفه پزشکی باید پاسدار قانون باشد، اما قرار نیست ابزار اجرای قانون شود. دور از ذهن نیست که به اقتضای پیوند اعضا، شکل سنتی اعدام، بدل به اعدام با کمک پزشکان شود. این امر با حرفه‌مندی پزشکی مغایر است. بسیاری از پزشکان، از این رو زیر بار پیوند نمی‌روند. به نظر می‌رسد مداخله پزشکان در این امر، منجر به مخدوش‌شدن اعتماد عمومی و اعتبار حرفه‌ای شود. یادمان باشد مفهوم عام اعتماد عمومی ریشه در اعتماد به حرفه‌ها و از جمله به پزشکان دارد.

چهارم. این مهم از مواضع پرور دوگانه (dichotomy) حقوق و اخلاق است. حتی اگر منظر حقوق، توجیهی برای اصالت تصمیم آگاهانه و احقاق حق فرد اعدامی، اقامه کند، طعم تلخی از تفسیر حقوق



✎ دکتر حمیدرضا نمازی

در خبرها آمده بود که مقرر شده است تا اعضای بدن محکومان به اعدام، در صورت خواست ایشان، مشمول قانون پیوند اعضا شود. البته سخنگوی قوه قضائیه، در ذیل این اخبار، تبیین کرد که چنین اقداماتی مستلزم ملاحظات جامع‌نگرانه است و هنوز هیچ تصمیمی اتخاذ نشده است. این مهم، بهانه‌ای برای تحلیل ملاحظات اخلاقی پیوند اعضاست. برخی از این ملاحظات در پی می‌آید.

یکم. بنیان اخلاق پزشکی، بیش از هر چیز، بر اجتناب از بهره‌گیری طبیعیانه از ناتوانان و محکومان بنا شده است. به تعبیر دیگر، اخلاق پزشکی نوین با کوفتن بر طبل رضایت آگاهانه و مختارانه آدمیان، هر گونه بهره‌بردن از آنها را –ولو به قیمت اهداف علمی و عملی ارزشمند– ممنوع می‌کند و تحذیر می‌دهد. پژوهش‌های بسیاری را در قرن بیستم می‌توان برشمرد که ناتوانان و محکومان را قربانی مطامع علمی کرده است. اخلاق پزشکی نوین، درست در واکنش به همین پژوهش‌ها پدید آمده است. محکومان، ناتوانان و کسانی که در معرض شائبه عدم احراز رضایت آگاهانه، غیراکراهی، غیراضطراری و غیرالقایی‌اند، از منظر طب، مشمول سخنگیری در مداخلات پزشکی‌اند، حتی اگر فرض کنیم که متهمان به اعدام، خود مشتاقانه و آگاهانه مایل به اهدای عضو پس از دادنه اعدام‌اند باید پرسید که آیا در اوضاع و احوال مرزی (boundary situation)، اصلاتی

دغدغه‌های یک آموزگار

چشم به راه میر غضب!



✎ محمدرضا نیک‌نژاد

«قرار بود نمایش‌نامه دیگری را برای تماشاخانه سنگلج آماده کنم؛ درباره برخی کسانی که در این تاریخ‌سازترین تئاتر ایران، به صحنه رفته‌اند و

حالا دیگر در میان ما نیستند. اما احساس کردم به یقین رسیدم تا

خودم، صحنه این تماشاخانه بااصالت را تجربه نکنم، نخواهم توانست درباره

آن صحنه‌مندان درگذشته بی‌تک‌راری چیزی بنویسم قابل عرض و عرضه و اما

درباره «چشم به راه میرغضب» که باید تقدیمش کنم به همان کسان (همچون؛

غلامحسین ساعدی، بیژن مفید، عباس جوانمرد و...) که نوشته‌ها و کارگردانی‌ها و

بازی‌هایشان بر صحن سنگلج درخشیده است، فقط می‌توانم راهی را نشان دهم

که آرزویمند، نزدیک شده باشد...». بند بالا بخشی از حرف‌های حسین کیانی،

کارگردان نمایش «چشم به راه میرغضب» است؛ نمایشی که چند هفته‌ای ست

در تماشاخانه سنگلج روی صحنه رفته است. «چشم به راه میرغضب» کمدی

تلخی از ریشه‌های رفتار سیاسی و حتی اجتماعی ما ایرانیان در تاریخ معاصر و

شاید کل تاریخ سیاسی- اجتماعی‌مان است؛ داستانی که کارگردان- نویسنده آن

توانسته با فضاسازی‌های ماهرانه و آشنا، به‌ویژه تکه‌کلام‌های سیاسی- اجتماعی

روز، فضای سیاسی کنونی و بیش از آن، رفتار نخبگان سیاسی تاریخ معاصر

را به چالش بکشد. «چشم به راه میرغضب» داستان دو محکوم به اعدام در

حکومت کوتاه محمدعلی شاه قاجار- دوره استبداد صغیر- است که شب اجرای

حکم به سبب تأخیر میرغضب فرصتی می‌یابد تا بر سر پدیده‌های سیاسی‌شان

بگویمگوی داشته باشند و مواضع یکدیگر را به باد انتقاد بگیرند و همدیگر را

مقصر شرایط پدیدآمده نشان دهند و دمی بیاورزند و دم دیگر هم‌دردی کنند.

کارگردان با بهره‌گیری از عناصر نمایش‌های تخته-حوضی، سیاه‌بازی، امکانات

نوین نمایشی مانند صحنه‌آرایی و صدا و البته بازی‌ها و دیالوگ‌های قدرتمند، دل

و جان تماشاگران را در سفر به گذشته و حال با خود همراه می‌کند؛ به گونه‌ای که

لحظه‌هایی در هم‌صدایی با بازیگران می‌خوانند و کف می‌زنند و شادمان هستند

و چند لحظه بعد با سخنان پرمعجز و اندیشه‌برانگیزشان در بهت و سکوت فرو

می‌روند! چشم به راه میرغضب، داستان پرتکرار ما و زیست فردی، اجتماعی و

سیاسی‌مان و تاریخ پرفراز و نشیب کشورمان است.

زنان

روی‌دستاوردهای خودتأکیدکنند

آموزش و آگاهی‌بخشی برای کاهش فاصله جنسیتی در این سال‌ها افزایش یافته است، اما بی‌تردید نمی‌توان تلاش زنان را در این میان نادیده انگاشت. ماه پیش که مجله فوربس، فهرست ثروتمندترین زنان آمریکا را منتشر کرد، کلمه خود-ساخته (Self-made) را برای حدود ۸۰ نفر آنان به کار برد. این نشان می‌دهد که این زنان ثروتمشان را به ارث نبرده‌اند، بلکه با کار، سرمایه‌گذاری یا در مواردی با استفاده از شهرتشان ثروتمند شده‌اند. جالب‌تر آنکه نام سلبریتی‌ها و تولیدکنندگان مواد آرایشی در بالای فهرست دیده نمی‌شود. کم نیست شمار کسانی که از یک کسب‌وکار کوچک خانوادگی شروع کرده و میلیونر یا میلیاردر شده و به کارآفرینان موفق یا هزاران کارمند تبدیل شده‌اند. زانی در بین ۱۰ نفر بالای این فهرست قرار دارند که ده‌ها سال پیش به همراه همسرانشان از یک کاروکسب خانوادگی کوچک وارد دنیای ثروت و سرمایه شدند. برخی توصیه‌ها می‌تواند در موفقیت و پیشرفت زنان نقش داشته باشد مانند پنج توصیه سالی هلکسن، مدرس مدیریت که در بی‌بی‌سی منتشر شده است، او معتقد است زنان باید روی دستاوردهای خود تأکید کنند، نگفتن را یاد بگیرند، کمال‌گرایی در برابر ریسک‌پذیری را کنار بگذارند، به خودشان اجازه اشتباه دهند و از کوچک جلوه‌دادن خود دست بردارند. به گفته هلکسن انتظار برای اینکه دیگران به خودی خود متوجه کار ما شوند و از آن قدردانی کنند، به جایی نخواهد رسید. او می‌گوید با افراد زیادی برخورد کرده که در مورد دستاوردهایشان حرف نمی‌زنند. همین‌طور زنان معمولاً سخت‌تر از مردان با اشتباهات خود کنار می‌آیند و این می‌تواند مانعی جدی بر سر راه پیشرفت کاری‌شان باشد. هلکسن می‌گوید: «با این کار درواقع به خودمان ضربه می‌زنیم». نشان‌ندادن اقتدار و نداشتن احساس تعلق به جایگاه خود، از جمله ویژگی‌های اخلاقی مشترک در میان زنان است. هلکسن می‌گوید: «اگر می‌خواهید پذیرفته شوید، باید جایگاهتان را مشخص کنید و رفتارتان طوری باشد که دیگران متوجه ارزش‌ها و توانایی‌های شما بشوند».

روایت

۲۰ سال پس از آخرین «سلام»



✎ صادق مددقو
دکترای مدیریت رسانه

«سلام» را می‌توان اولین

روزنامه منتقد در طول ۴۰ سال

گذشته دانست؛ روزنامه‌ای به

صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی

سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها

که در بهمن‌ماه ۱۳۶۹ پای در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی گذاشت و در آن مقطع

زمانی توانست به‌عنوان «تنها» تریبون رسمی جریان چپ، به خوبی نقش خود را

در سپهر سیاست ایران ایفا کند. در طول دوران حیات «سلام»، خط‌مشی، اثرگذاری

و پایداری‌اش برای برخی جریانات خوشایند نبود و بر این اساس بارها تا مرز توقیف

پیش رفت و حتی برخی از اعضای شورای سردبیری آن مثل عباس عبدی، دستگیر و

قریب به یک سال در بازداشت به‌سر بردند. آنچه باعث شد ۹ سال تحمل شود، جایگاه

ویژه‌اش به‌عنوان ارگان رسمی جریان منتقد و اصلاح‌گر داخلی بود.

«سلام» ساز ناهماهنگ و «چپ‌کوک» و تنها صدای منتقد روزگار سازندگی و

تعدیل اقتصادی بود و ازاین‌رو نقش ویژه و بازاری در مدیریت فضای سیاسی کشور

در انتخابات خرداد ۷۶ داشت؛ نقش پررنگی که دیگر اقدامات بزرگ و مؤثرش مانند

افشای اختلاس ۱۲۳ میلیاردتومانی از بانک صادرات را به حاشیه خاطرات برد و

سرانجام در ۱۵ تیرماه ۱۳۷۸ به جرم افشای نامه سعید امامی، از مشاوران وقت

وزارت اطلاعات (و از متهمان قتل‌های زنجیره‌ای) مبنی بر پیشنهاد اصلاح قانون

مطبوعات توقیف شد؛ توقیفی که حواشی زیادی در پی داشت و مهم‌ترین آنها بروز

ناآرامی‌هایی در ۱۸ تیرماه و حمله به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران

بود. اگر در تحلیل واکنش‌های دیگران در عرصه سیاست، موضوعات را نه بر اساس

معصوم‌نداری و مطلق‌انکاری خویش که به صورت سهام‌داری (یا الگوی مشارکت

در نتیجه) مورد بررسی قرار دهیم و از این منظر پس از تأمل بر رفتار شخصی

و کنشگری خود، واکنش

دیگران را به قضاوت بنشینیم،

خروجی واقع‌بینانه‌تری نسبت

به حوادث این عرصه و

ماجرای‌های پیرامونی خواهیم

داشت؛ نتایجی که با خطای

کمتری، به سمت حقیقت

میل می‌کنند و از واقعیت

ماجرأ، انحراف معنا‌داری ندارند. بر این مبنا، اگر از دریچه انصاف و به دور از

هرگونه وابستگی جناحی و سوگیری سیاسی، مسیری را که به توقیف روزنامه سلام

منتهی شد مورد بررسی قرار دهیم، باید سهم هرچند کوچک و اندکی از آن اتفاق

تلخ را هم برای جریان مدافع «هرگونه» آزادی «بدون مرز» برای مطبوعات در

نظر بگیریم. اگر از منظر سهام‌داری، نقش «کنش»‌هایی هرچند قانونی و طبیعی

در آن مقطع زمانی که رقیب را تحریک به آن «واکنش» ناگوار کرد تحلیل کنیم،

علاوه‌بر نقش بارز جریان مخالف به «گردش آزادانه اطلاعات»، سهم سوی دیگر

ماجرأ نیز قابل محاسبه است؛ سهمی که روزنامه‌نگار باتجربه و توانمند می‌مانند

ماشاءالله شمس‌الواعظین در فیلم مستند «میدان جوانان (سابق)» در تحلیل

توقیف مطبوعات به آن اشاره می‌کند؛ «ماجرای آتش‌بار شدید رسانه‌های ما و

هراس جریان رقیب از حمله‌ای قریب‌الوقوع برای تسخیر مواضعش». و این تحلیل

او می‌تواند پازل اشتباهات «جریان مخالف اقتدارگرایی» در طول دو دهه گذشته

را تکمیل کند؛ پازلی متشکل از اشتباهات ناشی از جودگی، عدم شناخت رقیب و

فقدان تحلیل از شرایط عمومی که زمینه‌های انتقام جریان مقابل از جامعه مدنی

و رکن چهارم دموکراسی (رسانه‌ها) را فراهم آورد.

همین حوالی

نوستالژی‌های دیروز، امروز در تالار وحدت

کنسرت ترانه‌های قدیمی (Old Songs) یک‌بار دیگر و با ریزپرتواری متفاوت از زیاترین آهنگ‌های دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ میلادی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی و اسپانیایی در تاریخ‌های ۲۳ و ۲۴ تیرماه ۹۸ توسط گروه موسیقی آوای ماهان به رهبری نیما فاتحی و سرپرستی فرهاد میرمحمدصادقی روی صحنه تالار وحدت خواهد رفت. این چهارمین اجرای کنسرت ترانه‌های قدیمی است که توسط گروه آوای ماهان، متشکل از گروه کر آوای ماهان، ارکستر بزرگ پاپ کلاسیک و خوانندگان مطرح این سبک و این‌بار با قطعات، طراحی لباس و طراحی صحنه‌ای متفاوت در تالار وحدت برگزار می‌شود. در این کنسرت قطعاتی که سال‌ها پیش توسط خوانندگان و گروه‌هایی مانند کوئین، بیتلز، بابی ام، فرانک سیناترا، الویس پریسلی، برایان هابلند، ژو دسن، ماری هاپکینز، شارلز آرن‌اودور، دین مارتین، آلبانو و رومبئا، پت بون و ری چارلز اجرا و ماندگار شده است، با تنظیمی متفاوت اجرا می‌شود.